



(نگاهی به مکتب، تاریخ نگاری مدینه)

نویسنده اول عباس رهبری^۱، نویسنده دوم مژده اردلانی^۲^۱ عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان ودانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی ، دانشگاه آزاد اسلامی ،

خمین ، ایران

آدرس پست الکترونیک (abbasrahbari45@gmail.com)

^۲ کارشناس الهیات و معارف اسلامی ، آموزش و پرورش ، سنندج ، ایران

آدرس پست الکترونیک (azsazs45@gmail.com)

چکیده

شناخت فرهنگ و تمدن اسلامی با توجه به نگارش تاریخ ماندگار گردیده است . بدون تاریخ نگاری دقیق امکان حصول به این امر مقدور نیست ، در تمدن اسلامی تاریخ نگاری دامنه وسیعی داشته و می توان تاریخ نگاری اسلامی را با توجه به مدارکی که در دست است از زمان صدر اسلام رصد نمود . با توجه به نگارش تاریخ در مکانهای مختلف توسط مسلمانان ما را به سمت شناخت تاریخ نگاری سوق می دهد. هر مکتب تاریخ نگاری نشان دهنده ی انگیزه ، شناخت زمینه های اجتماعی ، مسائل تاریخی ، تاریخ نگار آن مکتب است . این امر به مورخ کمک می کند تا به قسمتهای تاریک تاریخ و حقایق واقعی آن وارد شود . در این مقاله سعی بر آن است که مکتب تاریخ نگاری مدینه را معرفی و دست آوردهای این مکتب را بررسی و تحلیل کرده و به معرفی سران تاریخ نگاری آن مکتب بپردازیم و تفاوتهای این مکتب با مکتب تاریخ نگاری عراق بیان شده است ، در این مقاله به شیوه تحقیق توصیفی -تاریخی مباحث مورد بررسی قرار گرفته است .

واژگان کلیدی: مکتب، تاریخ، تاریخ نگاری، مدینه، مورخ

(Look at the doctrine, historiography Medina)**Abbas Rahbari ¹; Mojdeh Ardalani ²**

¹ Faculty member of the University Teachers and PH.D Candidate in History and Islamic Civilization, Islamic Azad University, Khomein, Iran

² The expert Islamic sciences and Theology, Education & Training, Sanandaj, Iran

Abstract

Knowledge of Islamic culture and civilization according to the writing of history is indelible. The possibility of achieving this is not possible without an accurate history, the history of Islamic civilization and the Islamic historiography wide range according to the evidence at hand observations of the early days of Islam. According to the writing of history in various places by Muslims leads us to the understanding of history. Each school of historiography represents the motivation, knowledge of the social, historical, historian of the school. This history helps to dark parts of history and enter the real facts. This article is an attempt to introduce school history and achievements of the school's Medina analysis and history of that school leaders deal with the differences between the school and meet with the school history of Iraq, in this article style library is discussed topics.

Key words: school, history, historiography, Medina, dated

مقدمه

تحقیق در مورد تاریخ نگاری اسلامی مخصوصاً در قرن اول با توجه به پیچیدگی و کمبود منابع و حرمت نگارش سیره پیامبر (ص) چنان که باید و شاید به آن پرداخته نشده است. با توجه به متون کتب تاریخی می توان به صورت هر چند ناقص به منابع آن زمان دست پیدا کرد. اما باید دقت نمود که اصل منابع در دست نیست، و اگر هم وجود داشته باشد بسیار نادر است، به همین خاطر بیان دقیق نوع تاریخ نگاری در آن زمان بسیار مشکل است و قضاوت در این زمینه نیز کاری سخت و دشوار است. نویسندگان تاریخ (مورخان) در هر دوره ای با توجه به نیاز جامعه، حکومت، دیدگاه غالب فکری در جامعه و برخی عوامل دیگر، دست به تألیف می زدند و به همین خاطر است که هر دوره ای با توجه به شرایط مشابه که ایجاد شده است، محتویات تاریخی نگارش شده ی آنان از یک قاعده پیروی می کند.

سوال این است که چرا مسلمانان اقدام به نگارش تاریخ نمودند؟ با عنایت به اینکه اسلام دارای یک روح تاریخی و تفکر اسلامی و دارای یک ریشه و اندیشه ی تاریخی است، همه مسائل و حوادث در اطراف مسلمانان دارای یک اهمیت خاص مخصوصاً اهمیت دینی است و در آیات قرآن کریم نیز این موضوع قابل مشاهده است. در آیات مختلف قرآن، شاهد هستیم که خداوند انسان را به مطالعه تاریخ گذشتگان دعوت نموده و به علاوه در خود قرآن کریم نیز جهت عبرت تاریخ گذشتگان بیان شده است و اندیشمندان بزرگ تاریخ، خواندن تاریخ را عبرت اندوزی می دانند.

به علاوه مسلمانان صدر اسلام با عنایت به اینکه علاقه شدیدی به پیامبر اسلام داشتند تمامی وقایع در خصوص این نور ذات اقدس الهی را نگارش می کردند از قبیل زندگی نامه، شرح جنگها و غیره که به این کتب سیره و مغازی گفته می شود. در بین سیره نویسان معروف می توان به ابن هشام و ابان بن عثمان بن عفان اشاره نمود به علاوه فتوحات مسلمین صدر اسلام نیز باعث نگارش تاریخ گردید و اعراب به دلیل دیدگاه تفاخر که از دوران جاهلیت داشتند می خواستند توانایی خود را در فتوحات نشان دهند و با این تفاوت که پیروزی های قبیله ای خود را بنام جهاد ثبت می کردند و علاوه بر آن پرداخت خراج و جزیه، تقسیم غنائم، نحوه فتح شهرها و وسعت آن و افراد شرکت کننده در جنگها بسیار مهم بود بنابراین مسلمانان شروع به نگارش فتوحات کردند و کتابهایی مانند فتوح البلدان، فتوح الشام و نمودند.

مکتب تاریخ نگاری مدینه

مورخان اسلامی با توجه به خواستگاه مورخان، زمان زندگی آنها، که در نوع و شیوه ی تاریخ نگاری آنان موثر بوده است تاریخ نگاری اسلامی را به مکاتب مختلفی تقسیم کرده اند. آغاز این تقسیم بندی را می توان از اوایل قرن دوم هجری دانست. مکتب تاریخ نگاری مدینه را در واقع می توان از لحاظ زمانی اولین مکتب تاریخ نگاری اسلامی به شمار آورد (سجادی، ۱۳۸۶)، و دلیل آن حضور پیامبر در مدینه بود و می توان گفت اولین کتب تاریخ اسلام در این شهر نگارش یافته است. انگیزه مورخان این مکتب تألیف سیره و مغازی پیامبر (ص) بوده است، این مکتب را مکتب سیره، مکتب مغازی و مکتب حدیث هم ذکر کرده اند. جهت آشنایی بیشتر با این مکتب باید با ویژگیهای کتب سیره مغازی و حدیث آشنا شد.

سیره:

سیره از نظر اصطلاحی عبارت است از تداوم و استمرار سیرت و روش عملی مردم یا جمعی از آنان بر انجام دادن یا ترک کاری، از سیره در اصول فقه به عنوان یکی از راههای دستیابی به احکام شرع سخن گفته اند، چنان که در فقه نیز بر احکام گوناگون در مواردی بدان استناد و استدلال کرده اند.

اقسام سیره

سیره به لحاظ بنای عملی بودن آن برای همه و یا جمعی از مردم، دو نوع است:

۱. سیره عقلا

که از آن به بنای عقلا نیز تعبیر می شود و منظور از آن، روش عملی عقلای هر ملیت و مذهبی است. سیره عقلا به تنهایی حجت و دلیل حکم شرعی نیست، مگر در صورت تأیید و موافقت شارع مقدس با مفاد آن.

۲. سیره متشرعان

که مراد از آن، روش عملی گروهی از مردم از آن جهت که مسلمان و یا شیعه دوازده امامی اند، می باشد. این نوع سیره در حقیقت نوعی اجماع، بلکه معتبرترین نوع آن است؛ چه اینکه اجماع عملی همه مسلمانان، اعم از علما و غیر آنان است؛ در حالی که اجماع قولی تنها اجماع علما می باشد. در کلمات فقها از این نوع سیره به اجماع فعلی نیز تعبیر شده است. (ذکری الشیعه ج ۴، ص ۱۴۰. الأصول العامه، ص ۱۹۷ - ۲۰۰. جواهر الکلام ج ۳۱، ص ۱۷۹. أصول الفقه ج ۲، ص ۱۵۱-۱۵۸)

مغازی:

به جنگ هایی که خود حضرت محمد (ص) در آن ها شرکت داشته را غزوه گویند که شرح چگونگی این جنگ ها و محل وقوع آن توسط صحابه و تابعین به نگارش درآمده که به این دسته از کتب مغازی گویند. «کتاب المغازی» تألیف محمد بن عمر بن واقد معروف به واقدی مورخ و محدث مشهور که بیست اثر در تاریخ اسلام از وی به جا مانده است (سجادی، ۱۳۸۶) را می توان از مهم ترین کتب مغازی دانست.

حدیث:

حدیث، در اصطلاح مسلمانان به سخنان پیامبر(ص) گفته می شود. شیعیان به سخنان اهل بیت نیز حدیث می گویند. در اصطلاح دانشمندان علم حدیث، به کلامی که حاکی از کردار یا تقریر معصوم (محمد، پیامبر اسلام) است (قوانین الاصول، ۴۰۸، هدایه الابرار، ۱۰۵، مقباس الهدایه، ۵۷/۱)، «حدیث» و گاه «خبر» یا «روایت» گفته می شود. شیعیان متعقدند: «حدیث، به دلیل انتساب آن به معصوم و وحیانی بودن محتوای آن، حجت بوده و می تواند مبنای عمل قرار گیرد»

حدیث، در لغت به معنی هر چیز نو و جدید است، خبر و کلام را نیز حدیث خوانند. (الصالح، ۲۷۸/۱، المصباح المنیر، ۱/۱۲۴) ابوالبقاء گوید: «حدیث، اسم مصدر از تحدیث به معنی خبر دادن است، سپس قول یا فعل یا تقریری که به پیامبر(ص) منسوب شود را بدان نامیده اند، و جمع آن احادیث بر خلاف قیاس است.» (الکلیات، ۲۰۲/۲۰) اهمیت حدیث در میان مسلمانان از آن روست که از منابع اصلی استنباط احکام در فقه و عقاید در علم کلام محسوب می شود. همچنین احادیث از منابع اولیه

پژوهش‌های تاریخی می‌باشد. در طول سده‌های بعد از زندگانی پیامبر و اهل بیت، احادیث توسط شیعه و سنی در مجموعه‌هایی گردآوری و مدون شده است.

ویژگیهای مکتب تاریخ نگاری مدینه

بر اساس مطالب بیان شده می‌توان اذعان نمود که مکتب‌های تاریخ نگاری در صدر اسلام بیشتر جنبه سیره نویسی داشته‌اند و مکتب تاریخ نگاری مدینه از این امر مستثنی نیست اما این مکتب دارای اهمیت زیادی است که به برخی از دلایل اشاره می‌گردد.

از عوامل مهم این مکتب آن است که :

- (۱) شهر مدینه محل حکومت پیامبر اسلام (ص) و خلفای راشدین بوده است.
 - (۲) بیشتر اصحاب رسول خدا در این شهر زندگی کرده‌اند.
 - (۳) حضور پررنگ ائمه (ع) در این شهر باعث شد مسلمانان برای شناخت بیشتر اسلام و احکام آن و شناخت سیره ی رسول خدا و بزرگان صحابه پیش از پیش متوجه این شهر باشند.
- با توجه به مطالب بیان شده می‌توان گفت که :
- الف) نقش مهم این مکتب در پیدایش علم تاریخ در تمدن اسلامی است .
 - ب) در این مکتب دقیقاً سلسله سند روایات را مشخص می‌کند .
 - ج) محور عمده پذیرش در این مکتب سیادت قبیله قریش است .
 - د) بزرگان این مکتب سعی نموده‌اند با استفاده از علم جغرافیا زمان و مکان حوادث تاریخی را بیان کنند .
 - هـ) در این مکتب سعی شده افراد مهم و اثرگذار را که در حوادث ایجاد شده دخیل بوده‌اند معرفی کنند .
 - ز) موسسان این مکتب بیشتر قریشی و از موالیان بودند .
 - ح) فرزندان و نوادگان خلفا و مدعیان خلافت و اصحاب آنها در این مکتب اثر گذار بوده‌اند .

سران مکتب تاریخ نگاری مدینه :

(۱) عبدالله بن عباس (م ۷۸ ه.ق):

ابن عباس را باید مؤسس اصلی مکتب تاریخ نگاری مدینه به شمار آورد. وی سیزده سال قبل از رحلت حضرت محمد در مکه به دنیا آمد. گرچه اکثر مطالبی که از او نقل شده توسط مورخان دوران عباسی به رشته تحریر در آمده و از این رو نمی‌توان به تمامی آن‌ها اعتماد کرد ولی تواتر روایات وی قابل اعتماد است (آئینه وند: ۱۳۸۷: ۳۱۹). عبدالله بن عباس سر انجام در سال ۷۸ هجری قمری در طائف در گذشت.

(۲) أبان بن عثمان بن عفان (م ۹۵ تا ۱۰۵ ه.ق):

وی فرزند خلیفه سوم عثمان بن عفان می‌باشد و از جمله تابعین به شمار می‌رود. او در ایام خلافت عبدالملک بن مروان والی مدینه بود (البلاذری: ۱۴۱۷) از جمله فقهای مدینه به شمار می‌آید (منتظرالقائم: ۱۳۸۴؛ سجادی: ۱۳۸۶) وی در جنگ جمل

همراه عایشه علیه حضرت علی (ع) شرکت داشت (الزرکلی، ۱۹۸۹). وی جزء مغازی نگاران مکتب مدینه به شمار می آید که روایات وی در تاریخ نگاری این مکتب بسیار حائز اهمیت است.

(۳) شَرَحِبیل بن سعد (م ۱۲۳ ه.ق.):

وی از آزاد شدگان انصار به شمار می رود و در مدینه زندگی می کرده و در رابطه با مغازی دارای متبحر بوده است (بیهقی، ۱۳۶۱) وی ظاهراً از بدریون به شمار می آمده است و از زید بن ثابت و ابو هریره و ابو سعید خدری و گروه بسیاری از اصحاب پیامبر (ص) روایت کرده است (ابن سعد، ۱۴۱۰) ولی چون در اواخر عمر حافظه خود را از دست داده بود مورد وثوق بعضی از مغازی نویسان قرار نگرفت و به همین دلیل است که ابن اسحاق از وی روایتی نقل نکرده است.

(۴) سعید بن مسیب مخزومی (م ۹۴ ه.ق.):

وی از جمله فقهای سبعة مدینه به شمار می آید که بسیاری از احادیث مورخان از وی روایت شده است. او در سال ۹۳ هجری قمری در مدینه وفات یافت (تتوی، ۱۳۸۲) این سال را به دلیل اینکه بسیاری از فقها در آن وفات یافتند «سنه الفقهاء» نامیده اند. (هدایت، ۱۳۷۳)

(۵) عروه بن زبیر (م ۹۴ ه.ق.):

وی نیز یکی از فقهای هفتگانه مدینه به شمار می آید که نوه دختری ابو بکر و راوی بلا فصل از عایشه است. از عروه در کلیه کتابهای سیره و مغازی و کتابهای تاریخ و صحاح و مسانید، اخبار و احادیث فراوانی نقل کرده اند و در مغازی او را اولین کسی دانسته اند که صاحب تألیف بوده است. در این که عروه اطلاعات خود را در کتابی تحریر کرده و یا آنکه فقط آن را بصورت منظم به اشخاص املاء می کرده است معلوم نیست. ولی در این شک نیست که خلیفه عبد الملک بن مروان از ۶۵ تا ۸۶ هـ از عروه درباره ابتدای اسلام پرسشهایی کرده و او در نامههایی که در جواب عبد الملک نوشته از ابتدای نزول وحی و آغاز کار مسلمین در مکه گفتگو نموده است و قسمتی از این نامهها در تاریخ طبری ضبط است (همدانی، ۱۳۷۳، بلاذری: ۱۴۱۷).

(۶) محمد بن مسلم شهاب زُهری (م ۱۲۳ یا ۱۲۴ ه.ق.):

او در سال پنجاه هشت هجری در مکه به دنیا آمد و در سال ۱۲۴ هجری در وفات یافت (ابن اثیر، ۱۳۷۱؛ مسعودی، ۱۳۷۴). وی در سال (۸۱ یا ۸۲ ه.ق) از مدینه به دمشق رفته است. ابن حجر معتقد است که زهری از علمای برجسته است و مخصوصاً در حدیث در تمام شام و حجاز همتا نداشته است. از فراوانی اخباری که از او در سیره ابن اسحاق و مغازی واقدی نقل شده، معلوم می شود که او از بزرگان علم سیره بوده است و چنین استنباط می شود که او نخستین کسی است، که آنچه را تابعین از سیره نقل کرده اند جمع آوری کرده و دانسته های خود را به آن افزوده است.

(۷) عبدالله بن ابی بکر بن حزم انصاری (م ۱۳۰ تا ۱۳۵ ه.ق.):

وی نیز از محدثان مکتب مدینه است. مدتی قاضی مدینه بود (یعقوبی، ۱۳۷۱) و در علم مغازی از مشاهیر دوران خود بود (ابن عناد، ۱۴۰۶). وی را از جمله کسانی به شمار آورده اند که «تحول نگاری» آغاز قرن دوم هجری را آغاز گر بوده است (آئینه وند، ۱۳۸۷).

(۸) موسی بن عُقَبَه (م ۱۴۱ تا ۱۴۲ ه.ق.):

موسی بن عقبه بن ابی عیاش از موالی آل زبیر و شاگرد عروه و فقیه و محدث نامی مدینه است که در مغازی رسول الله تخصص داشته. وی از اصحاب امام صادق (ع) می باشد. ظاهراً بین سال های ۵۵ تا ۶۰ هجری در مدینه به دنیا آمده و در سال ۱۴۱ هجری وفات یافته است وی از علقمه بن وقاص، و کُریب و عکرمه، و ابن المنکدر، و عبد الله بن دینار و دیگران روایت نقل کرده و بکیر بن عبد الله بن الاشج، و شعبه، و وهیب و محمد بن فلیح و افراد بسیاری دیگر از وی نقل روایت کرده اند (سبحانی، ۱۴۱۸). بنابر آنچه در طبقات ابن سعد آمده کتاب مغازی موسی بن عقبه شامل اسامی و اطلاعاتی درباره کسانی بوده است که در حوادث مهمّ زمان پیغمبر اکرم شرکت جستند (ابن سعد، ۱۴۱۰) مانند مهاجرین حبشه و اصحاب بدر و غیره. موسی بن عقبه به تواریخ و قصص مربوط به قبل از اسلام توجهی نداشته.

۹) وهب بن مُنبّه (م ۱۱۴ ه.ق):

وهب بن منبّه بن کامل بن سیح ابو عبد الله الیمانی الصنعانی. کنیه اش ابو عبدالله بوده و در یمن زندگی می کرده و قاضی صنعا بوده است. وی اصلاً ایرانی و از جمله ابناء بوده و از زهاد و صاحبان مکارم اخلاقی به شمار می آمد و در سال ۱۱۰ هجری همزمان با حکومت هشام بن عبدالملک در شهر صنعا وفات یافته است (واقعی، ۱۳۷۴) آثار بسیاری به وهب نسبت داده اند که در منابع مختلفه به وجود آنها اشاره شده و یا از آنها نقل کرده اند. از آثار او دو فقره پاپیروس در شهر هایدلبرگ موجود است که شامل ۲۷ ورقه یا ۵۲ صفحه و دارای تاریخ ۲۲۹ هجری است.

۱۰) سعید بن سعد بن عباده مخزومی (م ۱۲۵):

ابن دلیم بن حارثه بن ابی خزیمه بن ثعلبه بن طریف بن خزرج بن ساعده بن کعب بن خزرج. مادرش غزیه دختر سعد بن خلیفه بن اشرف بن ابی خزیمه بن ثعلبه بن طریف بن خزرج بن ساعده بن کعب بن خزرج است (واقعی، ۱۳۷۴). روایات وی بیشتر از طریق فرزندانش به خصوص شرحبیل و عبدالعزیز نقل شده است سعید بن سعد محضر پیامبر را درک کرده و در برخی روایات آمده که او از پیامبر روایت شنیده است. او مردی مورد اعتماد و کم حدیث است. برخی از روایات وی در مسند احمد بن حنبل و تاریخ طبری آمده است.

۱۱) عاصم بن عمر بن قتاده (م ۱۲۰ ه.ق):

وی نیز در علم سیره و مغازی شهره بود و از جابر بن عبدالله و انس بن مالک و دیگران روایت کرده است. جد وی «قتاده بن نعمان» از صحابه حضرت محمد (ص) بوده است (ابن قتیبه، ۱۹۹۲). زید بن اسلم و ابوالأسود و محمد بن اسحاق از او نقل روایت کرده اند. عمر بن عبدالعزیز او را امر کرد تا در مسجد اموی دمشق، مغازی و مناقب رسول خدا (ص) و اصحاب را برای مردم بیان کند. وی در سال ۱۲۰ هجری قمری در مدینه وفات یافت.

۱۲) ابو معشر سندی (م ۱۷۰ ه.ق):

ابو معشر از جمله موالی است که به اِسارت به مدینه برده شد و وی را نجیح نامیدند. او پس از مدتی در سلک موالی امّ موسی زوجه منصور خلیفه و مادر مهدی و جعفر عباسی درآمد و آزاد شد و پس از آنکه به بغداد رفت (۱۶۰ هجری) تا آخر حیات

(۱۷۰ هجری) در آنجا ماند و با دربار خلفا رفت و آمد داشت. ابو معشر به عنوان «صاحب المغازی» مشهور است به گونه ای که واقدی در کتاب مغازی خود نام او را به عنوان یکی از روایان اخبار غزوات ذکر می کند.

(۱۳) معمر بن راشد بصری (م ۱۵۴ ه.ق):

کنیه او ابو عروه و وابسته قبیله ازد است. کنیه پدرش، راشد ابو عمرو و برده آزاد کرده و وابسته ازد بوده است. معمر از مردم بصره و شیعه است که از آن شهر کوچ کرده و ساکن یمن شده است (همدانی، ۱۳۷۷). هنگامی که معمر از بصره می رفت ایوب او را بدرقه کرد و سفره و توشه دانی برای او فراهم ساخت. معمر مردی بردبار و خردمند و جوانمرد بود.

(۱۴) ابو روح یزید بن رومان اسدی مدنی (م ۱۳۰ ه.ق):

برده آزاد کرده و وابسته خاندان زبیر بن عوام بن خویلد است که به سال یکصد و سی درگذشته است. او از صالح بن خوات و جز او روایت کرده و مردی دانشمند و پر حدیث بوده به گونه ای که اکثر مورخان روایات او را مورد اعتماد می دانسته اند (واقدی، ۱۳۷۴).

(۱۵) محمد بن اسحاق (م ۱۵۲ ه.ق):

ابو عبد الله محمد بن اسحاق بن یسار از موالی است که در مدینه ظاهرا به سال ۸۵ هجری متولد شده و در بین سال های ۱۵۰ تا ۱۵۳ هجری در بغداد وفات یافت و در قبرستان «خیزران» دفن گردید. محمد بن اسحاق نه تنها در علم تاریخ و اخبار مربوط به وقایع و قصص و مغازی شهرت یافت و مشهور زمان به شمار آمد بلکه در روایت احادیث مربوط به احکام و سنن، تفه و صاحب رأی شد و مورد اعتماد همگان گردید. گرچه کتاب سنن او مفقود شده است، برخی از روایات او را در کتابها و مجموعه های حدیث می توان یافت (همدانی، ۱۳۷۷). پس از محمد بن اسحاق، عبد الملک بن هشام (که این کتاب به نام او به سیره ابن هشام معروف شده) کتاب وی را جمع آوری و تهذیب کرد.

مورخان بارز این مکتب :

از بین بزرگان این مکتب که نام برده شد دو نفر از این مورخان بسیار مورد توجه و وثق بوده اند و می توان گفت : این دو نفر از بارزترین این افراد هستند و حتی نقش اول ایجاد این مکتب را به آنها نسبت داده اند .

(۱) **عروه بن زبیر :**

عروه از اشراف و بزرگان قریش می باشد. پدرش «زبیر بن عوام»، مادرش «اسماء بنت ابوبکر»، و خاله اش «عایشه»، مادر بزرگش «خدیجه بنت خویلد»، برادرش «عبدالله بن زبیر» و همسرش «ام یحیی» کوچک ترین فرزند حکم بودند. وی همواره به حسب و نسب خویش مباهات می نموده (بلاذری، ۱۹۴۰م)؛ (جاحظ، ۱۹۴۸)؛ (طبری، لیدن، ۱۹۰۱) ، (ذهبی، لیدن، ۱۸۹۰)، و این امر در رشد و شخصیت و حتی بر روایاتش نیز تاثیر نهاده است. در سال ولادت عروه اختلاف وجود دارد؛ گفته می شود که وی در سال (۲۲ ه) یا سال (۲۶ یا ۲۹ ه) تولد یافته است (ابن خلکان، ۱۲۹۹)؛ (ذهبی، لیدن ۱۸۹۰). در روایتی سال تولدش (۲۳ ه) ذکر شده که از بقیه دقیق تر به نظر می رسد، زیرا این تاریخ را روایتی دیگر (که عروه را در زمان جنگ جمل (۳۶ ه) سیزده سال می داند) تایید می کند. این روایت هم چنین با آنچه که او خود نقل کرده (که در روز جنگ جمل

وی را به سبب کم سال بودن بازگردانده اند) تقویت می شود (ابن حجر العسقلانی، ۱۳۲۵)، (ابن سعد، لیدن، ۱۹۴۰)؛ (سخاوی، ۱۳۴۹ / ۱۹۳۰)؛ (ذهبی، لیدن ۱۸۹۰). در مورد سال وفات عروه نیز چندین روایت داریم: «طبری» سال (۹۴ هـ) را ذکر می کند. «ابن سعد» و پیروانش نیز همین را گفته اند (طبری، لیدن ۱۳۹۱، ابن سعد، لیدن ۱۹۴۰، ذهبی، لیدن، ۱۸۹۰)، در حالی که «ابن قتیبه» بین سال ۹۳ و ۹۴ هـ را ذکر کرده و «ابن خلکان» نیز بر این قول است. ولی قدیم ترین و موثق ترین آن ها، وفات او را به سال (۹۴ هـ) می داند.

عروه در مدینه رشد کرد و در همان جا به تحصیل پرداخت. سپس مدت هفت سال در مصر اقامت گزید و در همان جا ازدواج کرد و چند سفر به دمشق رفت. آرمان های عروه با آرمان های پدر و دو برادرش (عبدالله و مصعب) تفاوت داشت. وی از تمایلات خود به روشنی سخن گفته است: «آرزویم زهد در دنیا و رستگاری آخرت است و می خواهم از کسانی باشم که دانش از ایشان روایت می شود».

عروه در هیچ یک از رخدادهای سیاسی ای که در زمان او به وقوع پیوست مشارکت نکرد. عروه عرصه حیات را به تحصیل و تدریس گذراند؛ پیوسته به دنبال گردآوری حدیث و اندوختن دانش بود. او از بزرگان مدینه (چه مرد و چه زن) و از کسانی چون عایشه و عمر و اسامه بن زید و عبدالله بن عمرو بن العاص و ابوهیریه و عبدالله بن عباس روایت کرده است. وی یکی از هفت فقیه بزرگ مدینه و از اعلام محدثین آن جا به شمار می آید.

عروه با امویان ارتباط داشته است. وی عبدالملک مروان را در نوجوانی می شناخت و در مسجد با او ملاقات می کرد و حتی پس از کشته شدن برادرش عبدالله، در دمشق مهمان عبدالملک شد و در مهمانی ولید نیز شرکت کرد.

مراحل آثار تاریخی عروه

- (۱) بعثت پیامبر(ص) در چهل سالگی
- (۲) هجرت به حبشه
- (۳) افزایش مقاومت قریش در برابر دعوت اسلام
- (۴) هجرت
- (۵) حدیث هجرت پیامبر(ص) به مدینه
- (۶) خبر سرتیه عبدالله بن جحش
- (۷) غزوه بدر
- (۸) غزوه قینقاع
- (۹) غزوه خندق
- (۱۰) غزوه بنی قریظه
- (۱۱) غزوه بنی المصطلق
- (۱۲) صلح حدیبیه

(۱۳) غزوه موته

(۱۴) فتح مکه

(۱۵) غزوه حنین

(۱۶) غزوه طائف

(۱۷) نامه های پیامبر(ص) به مناطق مختلف

(۱۸) دوران پایان زندگانی پیامبر(ص)

(۱۹) امور شخصی

مطالعات تاریخی عروه به اختصار:

۱) عروه تصمیم ابوبکر بر تجهیز سپاه «اسامه» و اعزام وی را به رغم ارتداد برخی از قبایل عرب و وضع بحرانی مسلمین ذکر می کند. ابوبکر سپاهییانی به شام اعزام کرده و مسیر هر یک از فرماندهان را تعیین می کند.

۲) عروه ماجرای جنگ «اجنادین» و زمان درگیری و پیروزی مسلمین و اسامی برخی از شهدا را ذکر می کند.

۳) عباس و حضرت فاطمه (س)، سهم خود از میراث پیامبر(ص) در فدک و سهم پیامبر(ص) در خیبر را از ابوبکر طلب می کنند؛ همسران پیامبر(ص) هم از ابوبکر سهم پیامبر(ص) در خیبر و فدک را برای خود می خواهند. عروه رای عایشه را نیز در این مورد ذکر می کند.

۴) ابوبکر به منظور رسیدگی به امور مسلمین، تجارت را رها کرده و به حقوق خود از بیت المال اکتفا می کند؛ به بیماری ابوبکر و تاریخ درگذشت وی اشاره شده است.

۵) اشاره به جنگ «یرموک» و نیز اشاره به جنگ «قادسیه».

۶) خبر عزیمت عمر بن خطاب به «ایله» در سفرش به بیت المقدس.

۷) خبر جنگ جمل.

با این که عروه در ذکر اخبار ارتداد، همان روش نقل مغازی (سیره) را به کار می گیرد، اما به دست دادن نظریه تاریخی عروه در روایات مربوط به دوره خلفای راشدین بسیار مشکل است؛ زیرا وی اخبار ارتداد را تفصیل نمی دهد و از آن جز اخباری اندک و اشاراتی گذرا ذکر نمی کند، او در ذکر مغازی تاریخ دوران پیامبر(ص) ابتدا به آغاز وحی و شروع دعوت و هجرت به حبشه و مدینه می پردازد، سپس برخی از فعالیت های دوران مدینه از قبیل سرّیه «عبدالله بن جحش» و غزوه بزرگ بدر و غزوه قینقاع و خندق و بنی قریظه و صلح حدیبیه و حمله موته و فتح مکه و غزوه حنین و طائف و برخی از مکاتبات پیامبر(ص) و وقایع اواخر حیات پیامبر(ص) را شرح می دهد.

ظاهراً روایات عروه صرفاً خطوط اولیه وقایع تاریخی را بیان می کند که به لحاظ اجمال و تفصیل با یکدیگر تفاوت دارند؛ برخی روایات او جز اشاراتی گذرا نیستند و برخی دیگر چنان که در بیان ماجرای بدر و حدیبیه و فتح مکه می بینیم روایاتی مرتبط به هم و پیوسته اند. اما از غزوه «احد» مطلب قابل ذکری بیان نمی کند، همچنان که در روایات او ذکری از زمان وقوع حوادث

جز غزوه «موتّه» نمی یابیم. با وجود این، ملاحظه می کنیم که عروه در تحقیقات خویش فقط به غزوات نپرداخته، بلکه مطالبی از سیره پیامبر(ص) را از آغاز نزول وحی تا زمان وفات آن حضرت نقل کرده است.

عروه محدثی ثقه بود که در نقل روایات از روش اهل حدیث پیروی می کرد. منزلت و مناسبات اجتماعی او نیز سبب شده بود که بتواند روایاتش را از منابع اصلی نقل کند. با این حال، او در برخی از روایاتش اسناد را آورده و در برخی دیگر آن را واگذار کرده است.

عروه در کنار روایات شفاهی، به مدارک مکتوب نیز توجه داشته، و تعدادی از نامه های پیامبر(ص) به نواحی مختلف را نیز ذکر کرده است که این خود نقطه عطفی در سیر تحول تاریخ نگاری است. وی به آیات قرآنی که مربوط به این حوادث تاریخی بوده نیز استشهاد کرده است. این نکته، بیانگر پیوند علم تفسیر و تاریخ در سپیده دم تاریخ نگاری است؛ به طوری که استشهاد به آیات قرآن در کتب «مغازی» امری مأنوس و رایج گردید.

عروه از ثقاتی نقل کرده که مشهورترین آن ها «عایشه» است. اکثر روایات عروه منقول از عایشه است و او خود به اهمیت این روایات واقف می باشد. وی از خاندان زبیر و غیر ایشان از جمله اسامه بن زید، عبدالله بن عمرو بن العاص و ابوذر نیز روایت آورده است.

سبک عروه واضح، مستقیم، زنده و سلیس و از مبالغه به دور است و نمی کوشد مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد. او گاهی در نقل حوادث مقدمه ای می آورد تا رخداد مذکور را دقیقاً در موقعیت تاریخی اش توضیح دهد و حدیث را به صورتی مرتبط و به هم پیوسته روایت کند.

با این توصیف مطالعات تاریخی، در ارتباط و پیوند با تحقیقات حدیثی آغاز شده و در واقع یکی از فروع آن بوده است. سبک روایت تاریخی به لحاظ صورت و ساختار، همان سبک نقل حدیث است و عروه در این میان چهره ای زنده، واقعی و بی اغراق از حوادثی که برای مسلمین رخ داده و نیز از نحوه فعالیت های ایشان ترسیم کرده است.

تلاش عروه از اهمیتی فراوان برخوردار است، زیرا با گردآوری بسیاری از احادیث تاریخی درباره مغازی، برخی از اصول اساسی مطالعات تاریخی را ترسیم کرده و اندیشه ای تاریخی و تاثیرگذار را بر جای نهاده است. البته نباید از نظر دور داشت که روش مطالعات تاریخی عروه و ساختار آن یعنی دقیقاً آنچه را که عروه بنیان نهاده بود «زهری» به صورتی شایان توجه تکامل بخشید.

۲) زهری:

نقش اول در پیدایش مکتب تاریخی مدینه به «ابوبکر محمد بن مسلم بن عبیدالله بن عبدالله بن شهاب الزّهری» تعلق دارد. وی اصول این علم را استحکام بخشید و مسیر آینده مطالعات تاریخی را ترسیم کرد. به همین سبب، تحقیقات وی از این نظر بسیار مهم است.

البته مطالعات او به لحاظی دیگر نیز دارای اهمیت فراوانی است، زیرا برای ما تاکید می کند که ریشه های «مغازی» همان طور که عده ای اعتقاد دارند به قصه های سنتی، یا به تحقیقات جدی ای که محدثان و شاگردان او انجام داده اند برمی گردد (دائرة المعارف اسلامی، ماده «سیره»).

در تاریخ وفات «زهری» تقریباً تردیدی نیست؛ زیرا روایاتی که تاریخ وفات وی را در ۱۷ رمضان (۱۲۴ هـ) می دانند متواترند (بخاری، ۱۳۶۰، ۱۳۶۴ هـ)، (ابن قتیبه) (یافعی، ۱۳۳۷، ۱۳۳۹)، (ابن جوزی ۱۳۵۵، ۱۳۵۶ هـ)، (ذهبی، ۱۸۹۰) (ابن کثیر، ۱۳۴۸، ۱۳۵۸)، تاریخهای دیگری نیز ذکر می کنند که عبارت است از سال ۱۲۳ و ۱۲۵ هـ (اللاغنی). اما تاریخ ولادت وی چنان که انتظار می رود مورد اختلاف است. بنا به روایات مختلف، سال تولد او ۵۰، ۵۱، ۵۶ و ۵۸ هـ ذکر شده است (ذهبی، ۱۸۹۰)؛ ابن جوزی، ابن کثیر و الواقدی سال ۸۵ را ذکر می کند. (ذهبی، ۱۳۳۴)، (ابن خلکان، ۱۳۱۰). البته «زبیر بن بکّار» و «واقدی» در روایتی آورده اند که وی ۷۲ سال زیست، و این امر احتمال ولادت وی به سال (۵۱ هـ) را تقویت می کند (ابن سعد، لیدن، ابن اثیر، ابونعیم الاصفهانی، ۱۹۳۲، ۱۹۳۸).

زهری نزد اعلام محدثین زمان خود که چهار تن از آنان در نظرش از منزلتی خاص و احترامی فراوان برخوردار بودند تحصیل کرد. او از آن ها بسیار تقدیر کرده و اکثر احادیث خود را نیز از آنان اخذ کرده است. این چهار تن عبارتند از: «سعید بن المسیب» (ذهبی، تراجم، ص ۶۷)، «ابان بن عثمان»، «عبیدالله بن عبدالله بن عتبه» (بخاری، تاریخ کبیر) و «عروه بن الزبیر». زهری به قوت حافظه مشهور بود؛ ویژگی ای که در دوران وی اهمیت فراوانی داشت.

آشکار است که زهری در زمینه احادیث پیامبر (ص) و صحابه، در مدینه به تحقیقی وسیع اقدام کرده و در این کار، منزلت اجتماعی، حافظه نیرومند و بهره مندی از کتابت مدد کار وی بوده اند. وی صرفاً به پرسش از محدثین اکتفا نکرده، بلکه از هر کس که ممکن بود خبر یا حدیثی قابل اعتماد داشته باشد، سوال کرده است. او بدین منظور به مجالس و منازل اشخاص مختلف می رفت و از آنان پرسش می کرد؛ ذهبی می گوید: «ابراهیم بن سعد» گفت: به پدرم گفتم: چه چیزی از زهری بر شما ظاهر شده؟ گفت: «به مجلس ها از آغاز حضور می داشت نه آخر آن. هیچ جوانی، مجلس را ترک نمی کرد، مگر این که از او سؤال می کرد و هیچ پیری را بدون این که از او پرسش کند ترک نمی نمود. به هر خانه ای از خانه های انصار که می آمد جوانی یا پیرمردی یا پیر زنی را ترک نمی کرد مگر این که از آن ها سوال می نمود» (ذهبی، تراجم).

«مالک بن انس» درباره او گفته است: «او دانش فقههای سبعة را حفظ کرده و در میان مردم نظیر ندارد». «عمر بن عبدالعزیز» می گوید: «کسی از او به سنن گذشتگان داناتر نیست». «ابراهیم بن سعد» به نقل از پدرش می گوید: «پیش از زهری، کسی دانش را همچون او گرد آوری نکرده است». «عبد الرحمن بن ابی الزناد» به نقل از پدرش می گوید: «او دانشمندترین مردم است» (ابن جوزی ۱۳۵۵، ذهبی، ۱۳۳۴، یافعی ۱۳۳۷، ابن کثیر، ۱۳۴۸).

مطالعات تاریخی زهری

به نظر می رسد زهری در تحقیق خویش پیرامون زندگی پیامبر (ص) ابتدا برخی حوادث پیش از اسلام را که برخی از آن ها به ایشان مربوط می شود ذکر کرده و سپس زندگی پیامبر (ص) را در مکه و مدینه بررسی کرده است. زهری همچنان که تألیف



خود را «مغازی» نام گذاشته (اللاغانی، ج ۱۹، ص ۵۹) آن را «سیره» نیز نامیده است (طبری، المنتخب، ص ۹۷). البته عنوان «سیره» به کتابش اطلاق نمی شد. امروزه، از «مغازی» زهری جز قطعاتی که بیش از همه در کتب «ابن اسحاق»، «واقدی»، «طبری»، «ابن سیدالناس» آمده، چیزی به دست ما نرسیده است.

چارچوب نگارش تاریخی مغازی زهری :

البته بیان این چارچوب به علت در دسترس نبودن مغازی وی دقیق نیست اما از مطالب نوشته شده در اطراف مغازی وی می توان به موارد ذیل اشاره کرد .

الف: قبل از اسلام

- (۱) روز آفرینش آدم
- (۲) ذکر ماجرای حضرت نوح و پراکنده شدن فرزندان و خاندان وی و تقسیم زمین در میان ایشان.
- (۳) تقویم فرزندان اسماعیل یا عرب ها که با ماجرای دخول حضرت ابراهیم(ع) در آتش آغاز شده و به عام الفیل می رسد .
- (۴) اخباری درباره برخی از انبیا.
- (۵) برخی روایات درباره «آمنه بنت وهب» هنگامی که به پیامبر(ص) باردار شد و حکایت درگذشت «عبدالله بن عبدالمطلب» .
- (۶) برخی از حوادثی که برای پیامبر(ص) رخ داده یا ماجراهایی که پیامبر(ص) در آن ها مشارکت داشته ؛ از قبیل تعمیر کعبه و حلف الفضول.
- (۷) توافق خدیجه بنت خویلد با محمد بن عبدالله (ص) که با قافله اش به شام رفت و ازدواج پیامبر(ص) با خدیجه و سنّ پیامبر(ص) در آن هنگام.
- (۸) نقل دلایل نبوت پیامبر(ص).

ب: دوران رسالت

دوره مکه

- (۱) آغاز نزول وحی (مقدمات رسالت، رؤیای صادقه، عبادت در تنهایی و نزول وحی) .
- (۲) نظریه ای درباره نگرش قریش نسبت به دعوت پیامبر(ص) و فعالیت های آن حضرت.
- (۳) ماجرای سیر پیامبر(ص) و معراج (ابن هشام، ص ۲۸۲ و ۲۸۳؛ طبری، ج ۱، ص ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۱۳).
- (۴) هجرت به حبشه؛ نخستین مهاجران؛ موضع نجاشی نسبت به مسلمین و
- (۵) تحریم بنی هاشم و بنی عبدالمطلب توسط قریش ؛ وفات ابوطالب (ابن سیدالناس، ج ۱، ص ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۳۱ و ۱۳۳).
- (۶) بیعت عقبه؛ متن بیعت نامه و آغاز استقرار اسلام در مدینه.
- (۷)

دوره مدینه

- (۱) بیان واقعه هجرت به مدینه و ماجرای «سراقه بن جشم».
- (۲) انتظار مسلمانان در رسیدن پیامبر به مدینه پیامبر(ص)؛ موقعیت و زمان وصول پیامبر(ص) به مدینه ، ساختن مسجد مدینه (طبری، ج ۱، ص ۱۲۵۰، ۱۲۵۶؛ ابن سیدالتاس، ج ۱، ص ۱۸۵ و ۱۸۶؛ بخاری، ص ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۵۶، ۲۵۸).
- (۳) تاثیر آب و هوای مدینه بر مهاجرین و ابتلای برخی از آنان به تب.
- (۴) سرّیه «عبدالله بن جحش»؛ تعداد شرکت کنندگان در این سرّیه و هویت آنان.
- (۵) برخی اطلاعات از نظر یهود درباره پیامبر(ص)؛ موضع خشن و دشمنانه «عبدالله بن ابّی»؛ تغییر قبله از بیت المقدّس به کعبه.
- (۶) وجوب روزه و تاریخ آن و وجوب زکات فطره.
- (۷) غزوه بدر (زهري در شمار راویان این خبر است)
- (۸) غزوه «سویق» و تاریخ وقوع آن.
- (۹) تیرگی روابط با یهود و وقوع نزاع با آنان؛ قبیله «اوس» به قتل کعب بن اشرف، اقدام می کنند.
- (۱۰) غزوه «بنی قینقاع» پس از نزول آیه «و اما تخافن من قوم خیانه فانبدالیهم علی سواء».
- (۱۱) غزوات دیگر: غزوه «قراره الکدر» علیه «بنی سلیم» و «غطفان» ، اعزام مسلمین به سرّیه علیه بنی سلیم در «بحرین» .
- (۱۲) جنگ اخذ و بیان تفصیلی شهادت حمزه بن عبدالمطلب.
- (۱۳) اخراج قبیله یهودی «بنی النضیر» از مدینه .
- (۱۴) غزوه خندق و سختی اوضاع مسلمین
- (۱۵) حمله به «بنی قریظه» که سومین قبیله یهودی مدینه بودند بلافاصله پس از غزوه خندق .
- (۱۶) اعزام به سرّیه ای علیه «بنی لحيان»
- (۱۷) حدیث إفک [عایشه].
- (۱۸) سرّیه «زید بن حارثه» علیه «ام قرفه».
- (۱۹) صلح حدیبیه
- (۲۰) فتح خیبر
- (۲۱) فتح مکه
- (۲۲) غزوات بعدی: غزوه «هوازن» حمله به «تبوک»
- (۲۳) نامه ها و دیدارها
- (۲۴) برخی ناآرامی ها: اعزام «خالد بن ولید» برای سرکوب قبیله «بنی حارث» به نجران و اسلام آوردن آنان.
- (۲۵) مطالبی مربوط به پیامبر(ص)؛ اشاراتی به همسران آن حضرت و توضیح برخی از اسامی آن حضرت.
- (۲۶) اشاره ای به حجّه الوداع و برخی اطلاعات درباره آن؛ آماده شدن «اسامه بن زید» برای جنگ .

(۲۷) آخرین بیماری پیامبر(ص)، تأثیر وفات پیامبر؛ به خاکسپاری پیکر مطهر پیامبر بزرگوار.

(۲۸)

این موارد به صورت مختصر بوده و می توان موارد بیشتری را نیز اضافه نمود که در این بحث نمی گنجد . از این موارد مختصر آشکار می شود که زهری اولین چارچوب واضح از سیره را به دست داده، خطوط اصلی آن را به وضوح تمام ترسیم کرده و تنها تکمیل جزئیات این چارچوب را بر عهده آیندگان نهاده است.

به نظر می رسد زهری عموماً حوادث تاریخی را بر اساس تسلسل زمانی آن ها ملاحظه کرده است و برخی از تواریخ از قبیل تاریخ هجرت و چه بسا تاریخ وقوع غزوه بدر، احد و خندق و تاریخ برخی غزوات از قبیل غزوه قراره الکرب، «بنی سلیم»، قینقاع، بنی النضیر، خیبر و فتح مکه و تاریخ وصول هیئت اعزامی «کنده» و رحلت پیامبر(ص) را ذکر کرده باشد. همین توجه به تاریخ وقوع حوادث، زهری را در تثبیت چارچوب سیره یاری کرده است.

دیدگاه زهری اساساً دیدگاه «محدث» است. تلاش اصلی او نیز کسب علم یا احادیث و از جمله احادیث تاریخی بوده است. روش او در تحقیق احادیث و روایات، متکی بر اسناد است و موضع او نسبت به اسناد، همان موضع محدثین بزرگ آن عصر است که گاهی به روایت یکی از تابعین اکتفا کرده، ولی در مورد احادیث تاریخی با آزادی عمل بیشتری عمل می کند. زهری آیات قرآنی را که به مسایل تاریخی ارتباط دارند، بسیار ذکر می کند. روایات زهری عموماً با روشی صریح و ساده و متمرکز، اطلاعاتی واقعی و متوازن به دست می دهند، لذا تلاش برای بزرگنمایی و اغراق که در مورخین بعدی دیده می شود، در آثار او اندک است، گرچه جوانه های تمایل به تمجید را در آثار او می توان یافت. مطالعات تاریخی زهری به مغازی منحصر نیست، بلکه علم انساب و تاریخ صدر اسلام را نیز شامل می شود. وی به داشتن اطلاعات وسیع در مورد «انساب» معروف بود.

تشابه و تفاوت های مکتب تاریخ نگاری مدینه و عراق

هر مکتبی برای خود نحوه ی نگارش خاصی داشته و بنا به دلایل مختلفی از قبیل فرهنگ ، زمان تاریخی ، علایق و ... مکتب جدید ایجاد شده و البته هر مکتبی تشابهات و همچنین تفاوتهایی با مکاتب قبل و یا بعد خود دارد . مثلاً مکتب تاریخ نگاری مدینه اختصاص به مغازی و فتوح دارد در حالی که مکتب تاریخ نگاری عراق غالباً بر محور اخبار و ایام و انساب قرار دارد.

ویژگی های مکتب تاریخ نگاری عراق

الف) نگاه کلی و جامع در آثار اصحاب این مکتب پدیدار است، نسب دانان ، از بررسی نسب قبیله به مجموع قبایل میسرند و راویان و اخباریان ، اخبار امت را محور تحقیقات خویش قرار میدهند. در حقیقت با این گونه نگاه که در مکتب عراق پدید آمد، تاریخ، هویت یافت و مورخان پا در عرصه حیات علمی نهادند .

ب) تحزب بر بنیاد سیاست ، قبیله، سرزمین و شهر در آثار راویان این مکتب به چشم می خورد برای مثال میتوان به ابو مخنف، عوانه بن حکم و سیف بن عمر اشاره کرد که بر اساس علاقه علوی شامی بانگش قبیله ای به تدوین تاریخ می پردازند .

ج) آمیختن روایات شهرها، مناطق و قبایل مختلف با هم و پدید آوردن شکلی کامل و جامع و متنوع از آن، بعدی دیگر از تاریخ نگاری در این مکتب است .

د) اخباریان، روایات را از حیث موضوع و زمان تنظیم می کنند .

ه) از اسناد و نامه های رسمی در تدوین تاریخ استفاده می کنند ، احتمالاً از دیوان های جند و خاتم در شام، عراق، بصره و کوفه سود برده اند.

و) لغویان و نحویان در گردآوری اشعار و مفردات لغوی و ثبت اشکال و صور تعبیر، همپای نسب دانان، کمک دیگری به وحدت تاریخ اسلام کردند و عراق در این کار پیش گام بود.

ز) استفاده از نجوم و تنجیم در تصحیح و ضبط حوادث تاریخی در این مکتب گام دیگری در پیش برد علم تاریخ بود .
قبلاً در مورد خصایص مکتب تاریخ نگاری مدینه صحبت شده که جهت جلوگیری از اطاله بحث از نگارش مجدد آنها خوداری می گردد و فقط به صورت موردی برای مقایسه با مکتب عراق ذکر می گردد:

شباهتهای دو مکتب

ردیف	مکتب مدینه	ردیف	مکتب عراق
۱	نقش مهم در پیدایش علم تاریخ	۱	باعث هویت تاریخ شد
۲	داشتن سیادت قبیله ای	۲	داشتن نسب شناسی در قبائل
۳	استفاده از علم جغرافیا ، زمان و مکان در حوادث تاریخی	۳	بررسی روایات از طرف اخباریان از حیث موضوع و زمان
		۴	استفاده از نجوم و تنجیم در ضبط حوادث تاریخی

تفاوتهای دو مکتب

ردیف	موضوع مورد بحث در دو مکتب مدینه و عراق	مکتب مدینه	مکتب عراق
۱	حضور پر رنگ ائمه در این شهر و استفاده از سخنان آنان	*	
۲	حضور بیشتر صحابه رسول مکرم اسلام و استفاده از سخنان آنان	*	
۳	بیان سلسله روایان در اسناد خود	*	
۴	معرفی افراد مهم و تاثیر گذار در حوادث ایجاد شده	*	
۵	بیشتر نویسندگان قریشی و از موالیان بوده اند	*	
۶	اثر گذاری فرزندان و نوادگان خلفاء و اصحاب در مکتب	*	
۷	اخبار امت توسط روایان و اخباریان محور قرار گرفته باشد	*	
۸	پا به عرضه گذاشتن مورخان	*	
۹	گروه گرایی در سیاست ، قبیله ، سرزمین و شهرها	*	
۱۰	آمیختن روایات شهرها ، مناطق و قبائل با هم	*	
۱۱	استفاده از اسناد و نامه های رسمی در تدوین تاریخ	*	
۱۲	گرد آوری اشعار ، مفردات قرآنی و ثبت اشکال و صور توسط لغویان و نحویان	*	

بحث و نتیجه‌گیری

مکتب تاریخ نگاری مدینه، نخستین مکتبی است که توسط صحابه و تابعین حضرت محمد (ص) ایجاد گردید و هدف از آن در ابتدا آشنایی تازه مسلمانان با زندگانی حضرت رسول به عنوان پیشوای دینی، برای آشنایی بیشتر با اسلام بود ولی در ادامه مؤسسين این مکتب با گسترش دامنه این روش به پرورش این نوع تاریخ نگاری پرداختند به گونه ای که کتب «سیره» و «مغازی» دست آورد این مکتب است. از طرفی دیگر در این مکتب به صورت غیر محسوسی علم حدیث رشد کرد به گونه ای که در دوره های بعد قابلیت این را یافت که «علم حدیث» به صورت علمی مستقل به شمار آید. نکته ای که در این مقاله به آن پرداخته شد حضور مقاله نویسان ایرانی بود که می توان در مباحثی جداگانه مقاله نویسان ایرانی را به نحو شایسته ای به اندیشمندان شناساند و این مکتب با سایر مکاتب تفاوتها و تشابهاتی دارد که باعث جدا نمودن این مکاتب از هم شده است. این مکتب ریشه اصلی نگارش حدیث و مغازی بشمار می رود و بیشتر احادیث و روایات آن از بزرگان دین و صحابه تهیه و تدوین شده است.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، عز الدین علی (۱۳۷۱)، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ج ۹: ترجمه ابو القاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن، صفوة الصفوة، جزءان، (حیدر آباد دکن، دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۵۵ ۱۳۵۶هـ).
۳. ابن خلکان، وفيات الاعیان، جزءان، (قاهره، بولاق، ۱۲۹۹).
۴. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری (۱۴۱۰)، الطبقات الكبرى، ج ۵ و ج ۳: تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۵. ابن عماد، شهاب الدین ابو الفلاح عبد الحی بن احمد العکری الحنبلی دمشقی (۱۴۰۶)، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۲: تحقیق الأرناؤوط، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر.
۶. ابن قتیبة، أبو محمد عبد الله بن مسلم (۱۹۹۲)، المعارف، تحقیق ثروت عکاشة، القاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب
۷. ابن کثیر، البداية و النهاية فی التاريخ، ۱۴ جزء، (قاهره، مطبعة السعادة، ۱۳۴۸ ۱۳۵۸).
۸. ابن هشام؛ زندگانی محمد پیامبر اسلام (۱۳۷۵)، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران، انتشارات کتابچی.
۹. الأصول العامة فی الفقه المقارن جلد: ۱ نویسنده: حکیم، محمد تقی ناشر: مجمع جهانی اهل بیت (ع) محل نشر: قم
۱۰. أصول الفقه (مظفر، محمد رضا) (با تعلیقه) ، جلد: ۱ ، محقق: زارعی سبزواری، عباسعلی ، نویسنده: مظفر، محمد رضا، ناشر: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) محل نشر: قم، سال نشر: ۱۳۸۷
۱۱. انسان ، علی شریعتی ، مجموعه آثار ۲۴ ، تهران ، الهام ، چاپ اول
۱۲. آثار اسلامی مکه و مدینه ، جلد: ۱ ، نویسنده: جعفریان، رسول، ناشر: نشر مشعر ، محل نشر: تهران
۱۳. آئینه وند، صادق (۱۳۸۷). علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۴. بخاری، التاريخ الكبير، (حیدر آباد دکن، دائرة المعارف، ۱۳۶۰ ۱۳۶۴ هـ) ج ۱ و ۲ و ۴. سال نشر: ۱۳۸۶
۱۵. البلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷)، انساب الأشراف، ج ۵، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر.
۱۶. بیهقی، ابو بکر احمد بن حسین (۱۳۶۱)، دلائل النبوة، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۷. تاریخ الرسول و الملوك ، طبری بن . دی خویه ، ۱۵ جزء ، (لیدن ، بی نا ۱۸۷۹ ، ۱۹۰۱) ج ۲
۱۸. تاریخنگاری در اسلام، سید صادق سجادی، هادی عالم زاده
۱۹. تتوی، قاضی احمد و آصف خان قزوینی (۱۳۸۲)، تاریخ الفی، تصحیح غلام رضا طباطبایی مجد تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۰. جاحظ، البیان و التبیین، ن. عبدالسلام هارون، ۳ اجزاء، (قاهره، بی نا، ۱۹۴۸).
۲۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ج ۱۴. ۱۳۸۵.
۲۲. ذکرى الشيعة فى أحكام الشريعة جلد: ۱ نویسنده: شهید اول، محمد بن مکیمحقق: موسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث ناشر: موسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث محل نشر: قم سال نشر: ۱۳۷۷
۲۳. ذهبی، میزان الاعتدال فی تراجم الرجال، ۳ اجزاء، (قاهره، بی نا، ۱۳۲۵).
۲۴. الزرکلی، خیر الدین (۱۹۸۹)، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت، دار العلم للملایین.

۲۵. سبحانی، شیخ جعفر (۱۴۱۸)؛ موسوعه طبقات الفقهاء ج ۱: قم: مؤسسه امام صادق.
۲۶. سجادی، سید صادق و هادی عالم زاده (۱۳۸۶) تاریخ نگاری در اسلام؛ تهران: سازمان مطالعه و تمدن کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت).
۲۷. سخاوی، الإعلان بالتبویخ لمن ذم التاريخ، (دمشق، بی نا، ۱۳۴۹ / ۱۹۳۰ م).
۲۸. طبری، «المنتخب من کتاب ذیل المذیل»، همراه تاریخ طبری
۲۹. طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۳۰ جزء، (قاهره، بی نا، ۱۹۰۳).
۳۰. العسقلانی، ابن حجر، تهذیب التهذیب، (حیدرآباد دکن، بی نا، ۱۳۲۵ هـ).
۳۱. فرهنگ فارسی دکتر محمد معین؛ شش جلدی، نویسنده: محمد معین، ناشر: امیر کبیر، زبان کتاب: فارسی، اندازه کتاب: رقعی جلد سخت - سال انتشار: ۱۳۶۳ - دوره چاپ: ۴ قوانین الاصول، ۴۰۸.
۳۲. الکلیات = کلیات، نام کتابخانه: کتابخانه آستانه مقدس حضرت فاطمه معصومه (س)، پدیدآورنده: ایوب بن موسی ابوالبقا، موضوع: قرآن - مسائل لغوی دایره المعارفها لغت نامه دهخدا
۳۳. محمد حسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱، مقدمه مظفر، ص ۸-۱۳، بیروت ۱۹۸۱..
۳۴. مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین (۱۳۷۴)، مروج الذهب و معادن الجوهر، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۵. المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی جلد: ۱ نویسنده: فیومی، احمد بن محمد ناشر: موسسه دار الهجره محل نشر: قم
۳۶. مقباس الهدایه فی علم الدرایه نویسنده: محمدرضا مامقانی، عبدالله مامقانی محل نشر: قم تاریخ نشر: ۱۳۱۲-۸۶۰ تعداد صفحه: ۵۱۸
زبان کتاب: عرب نوبت چاپ: ۱ شماره مجلد: ۱
۳۷. منتظرالقائم، اصغر (۱۳۸۴)؛ تاریخ اسلام تا سال چهلیم هجری، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۳۸. واقدی، محمد بن سعد (۱۳۷۴)، طبقات: ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه.
۳۹. واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹)، مغازی (تاریخ جنگهای پیامبر (ص))، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاه.
۴۰. هدایه الابرار الی طریق الایمه الاطهار علیهم السلام جلد: ۱ نویسنده: کرکی، حسین بن شهاب الدین ناشر: رؤوف جمال الدین محل نشر: نجف اشرف
۴۱. هدایت، رضا قلی خان (۱۳۷۳)، فهرس التواریخ، تصحیح عبد الحسین نوایی و میر هاشم محدث، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴۲. همدانی، رفیع الدین اسحاق بن محمد قاضی ابرقوه (۱۳۷۷)، سیرت رسول الله، تحقیق اصغر مهدوی، تهران، خوارزمی.
۴۳. یافعی، مرآة الجنان، ۴ اجزاء، (حیدر آباد دکن، دائرة المعارف النظامیه، ۱۳۳۷-۱۳۳۹).
۴۴. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح یعقوبی (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
45. Herman, A. M. (1998). Occupational outlook handbook: 1998-99 edition. Indianapolis: JIST orks.